

## بررسی سبک زندگی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

### در احادیثی با ساختار طوبی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۵

فاطمه علایی رحمانی؛ استادیار دانشگاه الزهرا سلام الله علیها  
فریده امینی؛ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

#### چکیده:

سبک و الگوی زندگی به عنوان علم توصیفی امروزه در جایگاه و اهمیت بالایی قرار دارد و گستره وسیعی از منابع اسلامی را هم در بر گرفته است. از آنجا که اسلام دین زندگی و دین خاتم انبیاء است برای آن نیز سبک و روش دارد. سبک زندگی اسلامی نیز باید متناسب با دین اسلام جامع باشد. این پژوهش با بررسی احادیثی با ساختار طوبی (حیات طیبه) در پی ارائه الگو و سبک زندگی‌ای است که ضمن داشتن منشاء الهی با بیان اهل بیت عترت و طهارت به ما رسیده باشد. احادیثی که با بیان ویژگی‌های فردی، هنجارهای رفتاری، هنجارهای روابط مطلوب، روابط متقابل خدا و انسان، وظایف انسان در قبال امام، راهنمای ما به سوی داشتن حیاتی طیب و سبک زندگی رو به سعادت است.

کلید واژه‌ها: اهل بیت علیهم السلام، سبک زندگی، طوبی، حیات طیب، ادبیات روایی.

یکی از مباحث اساسی روانشناسی، نظریه سبک زندگی<sup>۱</sup> است که نخستین بار توسط آلفرد آدلر<sup>۲</sup> در سال ۱۹۲۹ مطرح شد، سبک زندگی همان شیوه زندگی یا طرز زندگی کردن افراد است که شامل تمام جنبه‌های زندگی روزمره مانند خواب، غذا، بهداشت، آداب و رسوم، کار، بازی، سرگرمی، روابط اجتماعی، طرز تفکر، طرز رفتار، گفتار، احساسات و عواطف می‌شود. از آنجا که سبک زندگی تمام جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد، نقش مهمی در سلامت جسمی و روحی دارد. انسان فردی است که در جمع زندگی می‌کند. سبک زندگی هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی، برخی افراد درونگرا هستند و سبک زندگی فردی را به سبک زندگی اجتماعی ترجیح می‌دهند و برخی برونگرا هستند و بیشتر به زندگی اجتماعی توجه دارند. گروه سوم افراد نسبتاً متعادلی هستند که به هر دو جنبه فردی و اجتماعی زندگی خود توجه دارند. بنابراین سبک زندگی با شخصیت افراد ارتباط نزدیک دارد. سبک زندگی از قرن نوزدهم به عنوان علم توصیفی در مطالعات جامعه‌شناسی و در پی آن روانشناسی مطرح شد. جامعه‌شناسی با یک نگاه کلی و روان‌شناسی با یک دید جزئی و فردی به مسئله پرداخت و این موجب شد زندگی مردم در معرض دسته‌بندی‌هایی قرار گیرد و به یک مطالعه علمی تبدیل شود و خیلی زود علم روانشناسی و جامعه‌شناسی به این نتیجه رسیدند که مطالعات توصیه‌ای را جایگزین مطالعات توصیفی کنند؛ به عبارت دیگر به جای آنکه آنچه هست را توصیف کنند پیشنهادهایی برای زندگی بهتر توصیه و ارائه کنند.<sup>۳</sup>

هنگامی که سبک زندگی از لایه توصیفی به سمت لایه توصیه‌ای رفت، قاعدتاً مکتب‌هایی برای ارائه الگوی زندگی مطرح شد از این رو اگر هر مکتبی ادعای داشتن ساختار تربیتی و هدایت برای بشریت است انتظار می‌رود که الگو و سبک زندگی خاصی نیز ارائه دهد.

طبیعتاً در حوزه منابع اسلامی این بحث گستره وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد. پژوهش حاضر در پی آن است که در بین روایات اهل بیت علیهم السلام که یکی از منابع اصلی دینی است تنها به بررسی یک ساختار پردازد و آن ساختار احادیثی است که واژه «طوبی» در آن به کار رفته است.

آنچه در بیان مکتب اهل بیت علیهم السلام حائز اهمیت است ادبیات روایی بر مبنای حیات طیب است. قرآن کریم نیز در دو مورد به این نکته اشاره نموده و حیات طیب و معیشت طوبی را از آثار ایمان و عمل صالح معرفی کرده است.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ﴾ (رعد: ۲۹)  
 ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷)

در واقع می‌توان با در کنار هم قرار دادن تمامی احادیث با مضمون حیات طیب، الگو و سبک زندگی با منشاء الهی ارائه داد، به عبارت دیگر طبق احادیث «طوبی» روشن خواهد شد اهل بیت علیهم السلام چه سبک و الگوی زندگی را به عنوان حیات طیب معرفی کرده‌اند.

به نظر می‌رسد احادیث با ساختار طوبی در صدد بیان روشی برای زندگی پاک و صحیح و مورد پسند خداوند و اهل بیت علیهم السلام است؛ افزون به این از آنجا که اسلام دین اعتدال است، هم برای زندگی فردی و هم برای زندگی اجتماعی برنامه ارائه کرده است. از این رو احادیث با محوریت طوبی را نیز می‌توان به چهار دسته تقسیم نمود: دسته اول روابط بندگان و خداوند، شناخت امام و پذیرفتن هدایت امام را مورد بررسی قرار می‌دهد، دسته دوم به بیان ویژگی‌های فردی می‌پردازد که حیات طیب را به دنبال خواهد داشت، دسته سوم به هنجارهای رفتاری و دسته چهارم به هنجارهای روابط مطلوب اشاره می‌کند

که جمیع موارد در کنار هم، آدمی را به سوی حیات طیب و داشتن سبک زندگی الهی سوق می‌دهد، سبکی که عاقبت آن جز سعادت نیست.

### معنای لغوی واژه طوبی

طوبی بر وزن «فعلی» مؤنث اظیب است. در لغت به معنای پاک و پاکیزه است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد و نقطه مقابل آن خبیث قرار دارد و در موارد مختلف استفاده می‌شود، مانند: طعام طیب، کلام طیب، شجره طیب و ...<sup>۴</sup> در مجموع می‌توان گفت حیات طیب در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر گونه آلودگی است.

### دیدگاه تفاسیر در مورد واژه طوبی

واژه «طوبی» در قرآن کریم تنها در آیه ۲۹ سوره مبارکه رعد به کار رفته است، ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾<sup>۵</sup> واژه «طوبی» صفتی است برای موصوف محذوف و آن موصوف- به طوری که از سیاق آیه ۲۹ سوره رعد برمی‌آید- عبارت است از حیات و یا معیشت؛ زیرا نعمت هر چه باشد از این رو گوارا و مورد غبطه است که مایه خوشی زندگی است و وقتی مایه خوشی و سعادت است که قلب با آن سکون و آرامش یابد و از اضطراب خلاص شود، چنین آرامش و سکونی برای احدی دست نمی‌دهد مگر با تحقق شرایطی. با تدبر در آیه ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل: ۹۷) درمی‌یابیم که حیات معنوی و طیب مختص آخرت نیست، بلکه با تحقق شرایطی چون ایمان و عمل صالح در همین عالم تحقق می‌یابد، البته آثار این حیات معنوی در آخرت ظهور می‌یابد؛ چون آنچه خداوند از نعمت‌های دنیوی به بندگانش در آخرت عطا می‌کند، نتایج نعمت‌های معنوی عطا شده به او در همین حیات دنیاست.<sup>۵</sup>

علامه طباطبایی در تبیین حیات طیب می‌گوید: زندگی به هر حال خالی از طیب نیست؛ اما در مورد کسانی که به یاد خدا بوده و دارای آرامش قلب هستند طیب بیشتری دارد؛ زیرا زندگی آنان از آلودگی و ناگواری‌ها دور است. فردی که دارای حیات طیب است و این حیات بر او بشارت داده شده است زندگی از جهل و قبائح اعمال، پاک و با ایمان و عمل صالح متجلی شده است این چنین فردی مورد پسند و رضایت خداوند سبحان قرار خواهد داشت و خداوند آن را با صفت طیب توصیف کرده است.<sup>۶</sup>

در مورد عبارت ﴿طُوبَىٰ لَهُمْ﴾ در آیه ۲۹ سوره مبارکه رعد از دیدگاه مفسران چند قول مطرح است و بیشتر این معانی از باب انطباق است، نه اینکه از ظاهر آیه استفاده شده باشد.<sup>۷</sup>

دیدگاه‌های مطرح در مورد «طوبی» در قرآن کریم	
زندگی پاک از آن ایشان است.	به معنای فرح و چشم روشنی است.
دوام خیر برای آنها است.	زندگی اینان مورد غبطه است.
طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله است و در خانه هر یک از مؤمنین شاخه‌ای از آن وجود دارد.	زندگی ایشان همراه خیر و کرامت است.
بهشت از آن ایشان است	زندگی پاک از آن ایشان است.
زندگی پاک از آن ایشان است.	طوبی یعنی گوارا باد ایشان را زندگی طیب.

در روایات متعددی نیز آمده «طوبی» درختی است که اصلش در خانه امام علی علیه السلام است و شاخه‌های آن همه جا و بر سر همه مؤمنان و بر فراز همه خانه‌هایشان گسترده است که در واقع ممکن است تجسمی از آن مقام رهبری و پیشوایی آنان و پیوندهای ناگسستنی میان این پیشوایان بزرگ و پیروانشان باشد و کسانی که پیروی ایشان را پذیرفته‌اند از ثمره آن، ایمان و عمل صالح بهره‌مند خواهند شد.<sup>۸</sup>

ساختار احادیثی که واژه «طوبی» در آن به کار رفته است به نوعی بیانگر ارائه سبک زندگی اسلامی و سعادت بخش برای بندگان است، به نظر می‌رسد احادیث با ساختار «خوشا به حال آنکه...» در صدد بیان روشی برای زندگی و پسند خداوند سبحان در تعاملات و برخوردهای انسان‌ها باشند.

انسان مسلمان در زندگی دارای روابط گوناگون است از جمله رابطه با خداوند، رابطه با خویش و رابطه با محیط و دیگران. انسان مسلمان باید در پی آن باشد که چگونه رفتاری را در رابطه با خدا و خویشتن و محیط پی گیرد تا به هدف غایی خلقت خویش یعنی قرب الهی و آرامش و سعادت ابدی برسد. احادیث وارد شده با ساختار طوبی به رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود که در قالب ویژگی‌های فردی ارائه شده است و همچنین رابطه انسان با محیط و در روابط و رفتار فرد اشاره شده است.

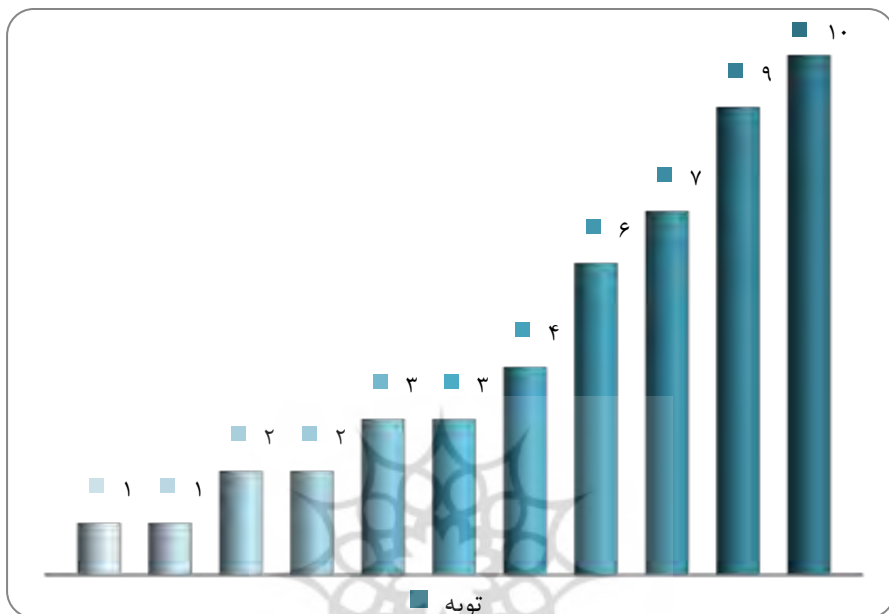
#### ۱. روابط بندگان با خداوند

از احادیث وارد شده در بیان روابط انسان و خداوند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

توبه: خوشا به حال چهره‌ای که خداوند آن را به خاطر گناه و بیم از کیفر الهی گریان ببیند که هیچ کس به جز خدا از آن گناه آگاه نیست.<sup>۹</sup>

خوف الهی: خوشا به حال کسی که ترس از خدا او را از ترس از مردم باز دارد؛<sup>۱۰</sup> یاد معاد؛<sup>۱۱</sup> فرمان برداری از خدا؛<sup>۱۲</sup> انجام واجبات و ترک محرّمات؛<sup>۱۳</sup> گفتن ذکر لا اله الا

الله؛<sup>۱۴</sup> شب زنده داری؛<sup>۱۵</sup> رفتن به مسجد؛<sup>۱۶</sup> جهاد در راه خدا؛<sup>۱۷</sup> انجام عمل صالح در وقت زوال ظهر؛<sup>۱۸</sup> روزه ماه مبارک رجب.<sup>۱۹</sup>



در میان احادیث «طوبی» و در بحث روابط بندگان و خداوند «توبه» بیشترین تکرار را دارد که به آثار توبه اشاره خواهد شد:

«توبه» از مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی و اخلاقی است که آثار بی‌شمار و ره‌آورد گران بها و پی‌آمدهای مثبت فراوانی دارد که به اهم آنها در قرآن کریم اشاره می‌شود:

**بازبایی شخصیت:** انسانی که مرتکب گناهی شده است، چه بخواهد و یا نخواهد احساس سرشکستگی و کوچکی می‌کند؛ منابع دینی مخصوصاً قرآن تلاش می‌کنند که با توبه و اظهار ندامت پنهانی شخصیت گناه کار را بازسازی کنند و او را به حالت اول، بلکه بالاتر از آن برگردانند؛ لذا قرآن از یک طرف می‌فرماید: «خداوند توبه کاران را دوست می‌دارد.»

(بقره: ۲۲۲) و از طرف دیگر، به مردم گوشزد می‌کند که خلافکاران اگر برگشتند، برادران دینی شما هستند. (توبه: ۱۱)

محبوب شدن نزد خدا؛ قرآن کریم می‌فرماید: خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد. خود اظهار دوستی از مقام برتر علاوه بر اینکه افتخاری است برای محبوب و باعث بازیابی شخصیت گناهکار می‌شود، برد تریبیتی و سازندگی مهمی دارد.

بخشش گناهان: اثر مهم توبه، بخشیده شدن گناهان انسان گناهکار است. (تحریم: ۸)

تبدیل شدن سیئات به حسنات: اگر توبه واقعی انجام گیرد، خداوند علاوه بر نابودی گناهان، آنها را تبدیل به نیکی و حسنات می‌کند. (فرقان: ۷۰)

رستگاری ابدی: از مهم‌ترین آثار اخروی توبه، عاقبت به خیری و رستگاری ابدی است. (نور: ۳۱)

آسایش ابدی: در کنار رستگاری، آسایش ابدی نیز از پی آمدهای توبه شمرده شده است. (مریم: ۶۰)

افزایش روزی: توبه علاوه بر آثار و برکات بی شمار معنوی و اخروی، اثر و برکت دنیوی و مادی نیز دارد و در ازدیاد رزق و روزی انسان نیز اثر گذار است. (نوح: ۱۰-۱۲)

## ۱-۱. وظایف بندگان در قبال امام

عالی‌ترین مرتبه حیات طیب از آن امام (انسان کامل) است و خود کلمه طیبه تکوینی الهی است، بندگان به جهت بر خوداری از حیات طیب می‌بایست آنان را الگوی خویش قرار دهند. خداوند سبحان ائمه علیهم السلام را هادی انسان‌ها<sup>۲۰</sup> و به نوعی عاملی برای رسیدن به حیات طیب قرار داده است به عبارتی در سایه هدایت ائمه علیهم السلام است که انسان



می‌تواند به ویژگی‌ها و رفتارهایی دست یابد که مورد پسند خداوند و سبب رسیدن به سعادت است. از آنجا که ائمه علیهم السلام عهده دار هدایت انسان‌ها به سوی حیات طیب- اند به نوعی رابطه انسان با ائمه رابطه انسان با خداوند محسوب می‌شود، از این رو وظایف بندگان در قبال امام زیر مجموعه روابط بندگان با خدا قرار گرفته است. وظایف انسان در قبال امام امور زیر است:

تصدیق امام و تکذیب دشمنانش،<sup>۲۱</sup> پذیرفتن ولایت امام،<sup>۲۲</sup> پذیرفتن هدایت امام،<sup>۲۳</sup> فرمانبرداری از امام و اقتدا به او،<sup>۲۴</sup> رسوخ محبت امام در قلب انسان،<sup>۲۵</sup> انتظار فرج.<sup>۲۶</sup>



در میان احادیث «طوبی» و در بحث وظایف انسان در قبال امام «انتظار فرج» بیشترین تکرار را دارد؛

دیدار وجود مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از بزرگ‌ترین آرزوهای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است که سبب امید به آینده و حرکت و پویایی در جامعه

اسلامی است. مهم، باور حتمی بودن ظهور و انتظار راستین برای تحقق آن است. رسول خدا صلی الله علیه و آله بهترین عمل امت را انتظار فرج از جانب خدای سبحان می‌داند<sup>۲۷</sup> و اهل بیت علیهم السلام برجسته‌ترین مصداق کلی را انتظار فرج وجود مبارک امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته‌اند؛ چرا که برای انسان‌های مؤمن، ظهور آن حضرت گشایش حقیقی است.<sup>۲۸</sup>

انسان، تنها انتظار کسی یا چیزی را می‌کشد که او را به کارگشایی بشناسد، حال هر چه دانش و معرفت والاتر و صحیح‌تر باشد، انتظار نیز عمق و حقیقت بالاتری خواهد داشت. بی شک زمین همواره به نور مصباح هدایت و امام معصوم روشن است از این رو پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به موجودیت موعود باور عمیق دارند، پس باید او را شناخته و جان را در راه خدمتش صرف کنند.<sup>۲۹</sup>

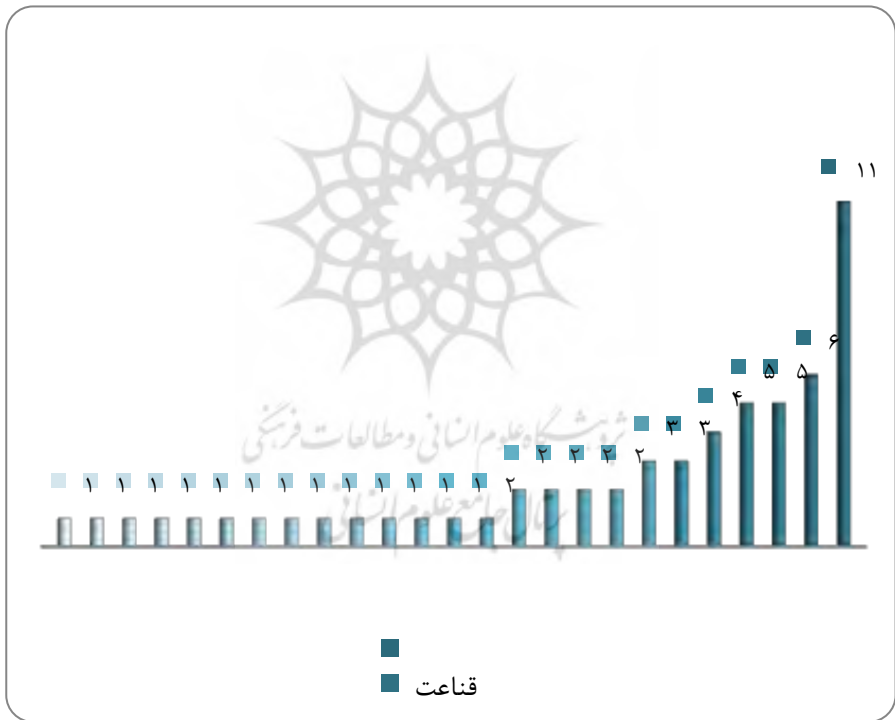
برترین شکل انتظار آن است که با جان منتظر آمیخته گردد و سراسر هستی او را فرا گیرد؛ بدین سان که قلب خود را در اختیار کسی قرار دهد که آن را به اذن خدا و بر اساس ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳) متحول سازد. چنین منتظری عالم را در کام شیرین خود می‌یابد و هیچ حادثه‌ای توان قبضه کردن چنین قلبی را نخواهد داشت.

از آثار انتظار امید به آینده، اصلاحگرایی در عرصه‌های فردی و اجتماعی، تلاش و پویایی در همه عرصه‌ها، تخلق به فضائل نفسانی، آمادگی برای ظهور، استحقاق نگاه تشریفی اهل بیت علیهم السلام، شکوفاسازی اندیشه‌ها، باریابی به مقام اعتماد و ورود به جایگاه رفیع «منا اهل البیت» است.<sup>۳۰</sup>

## ۲. ویژگی‌های فردی

ویژگی‌های فردی که مورد ستایش ائمه علیهم السلام قرار می‌گیرد، نوعی دعوت به این نوع سبک زندگی است از جمله:

غلبه بر هوای نفس: خوشا به حال بنده‌ای که برای خدا با نفس و تمایلات نفسانی خود مبارزه کند،<sup>۳۱</sup> قناعت پیشگی،<sup>۳۲</sup> اخلاص در عمل،<sup>۳۳</sup> اهل صبر،<sup>۳۴</sup> سکوت نمودن و سخن را در جای خود به زبان آوردن،<sup>۳۵</sup> زهد و تقوی،<sup>۳۶</sup> دوری از آرزوهای کاذب،<sup>۳۷</sup> دستیابی به یقین،<sup>۳۸</sup> غنیمت شمردن فرصت‌ها،<sup>۳۹</sup> صرف وقت در امور کارآمد،<sup>۴۰</sup> کنترل خشم،<sup>۴۱</sup> کنترل زبان،<sup>۴۲</sup> امانت داری،<sup>۴۳</sup> شاکر بودن،<sup>۴۴</sup> صادق بودن،<sup>۴۵</sup> خوش خلقی،<sup>۴۶</sup> تواضع و فروتنی،<sup>۴۷</sup> اهل سخن حق،<sup>۴۸</sup> اهل دانش،<sup>۴۹</sup> دارای قدرت تشخیص حق از باطل،<sup>۵۰</sup> پرهیز از شهرت و کسب نام،<sup>۵۱</sup> عدم علاقه به مال اندوزی،<sup>۵۲</sup> فروتنی و عدم تکبر،<sup>۵۳</sup> داشتن برنامه در زندگی و آینده‌نگری.<sup>۵۴</sup>



در میان احادیث «طوبی» و در بحث ویژگی‌های فردی، ویژگی «غلبه بر هوای نفس» بیشترین تکرار را دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

میدان عمل تاخت و تاز شیطان ادراک انسانی و نفس انسان است و ابزار کار او عواطف و احساسات بشری است. به شهادت آیه ﴿الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ (ناس: ۴-۵) اوهام کاذب و افکار باطل را شیطان در نفس انسان القا می‌کند. اعمال شیطان به تصرف و القا در دلها است، شیطان از راه وسوسه است که انسان را به ضلالت دعوت می‌کند. «وسوسه» به معنی حدیث نفس است، یعنی کلامی که در باطن انسان می‌شنود خواه از شیطان باشد یا از خود انسان به عبارت دیگر وسوسه با صدای آهسته به سوی چیزی خواندن است.<sup>۵۵</sup>

نعمتهای ظاهری ابزار دیگر شیطان است. از مهارت‌های شگفت‌انگیز شیطان بهره‌مندی از خوب جلوه دادن امور ناپسند (تسویل) و نفرت‌انگیز نمودن کارهای نیک است. او با تصرف در مجاری ادراکی و تحریکی نفس انسان قدرت تشخیص را از فرد تحت سلطه خود سلب می‌کند و او را به اسارت خود در می‌آورد. تصرفات شیطان در ادراک انسان تصرف طولی است، نه در عرض تصرف خود انسان، تا منافات با استقلال انسان در کارهایش داشته باشد. او تنها می‌تواند چیزهایی را که مربوط به زندگی مادی دنیا است زینت داده و به این وسیله در ادراک انسان تصرف نموده، باطل را به لباس حق در آورد و کاری کند که ارتباط انسان به امور دنیوی تنها به وجهه باطل آن امور باشد و در نتیجه از هیچ چیزی فایده صحیح و مشروع آن را نبرد. وقتی انسان کارش به جایی رسید که از هر چیزی تنها وجهه باطل آن را درک کند و از وجه حق و صحیح آن غافل شود رفته رفته دچار غفلتی دیگر می‌گردد که ریشه همه گناهان است و آن غفلت از مقام حق تبارک و تعالی است. بنابراین، خود را مستقل دیدن از پروردگار و پیروی از هوای نفس همه از تصرفات شیطان است. از این رو در احادیثی که انسان را به حیات طیب سوق می‌دهد، راه رسیدن به حیات طیب و رستگاری را غلبه بر هوای نفس و به عبارتی غلبه بر شیطان رجیم می‌داند.

### هنجار

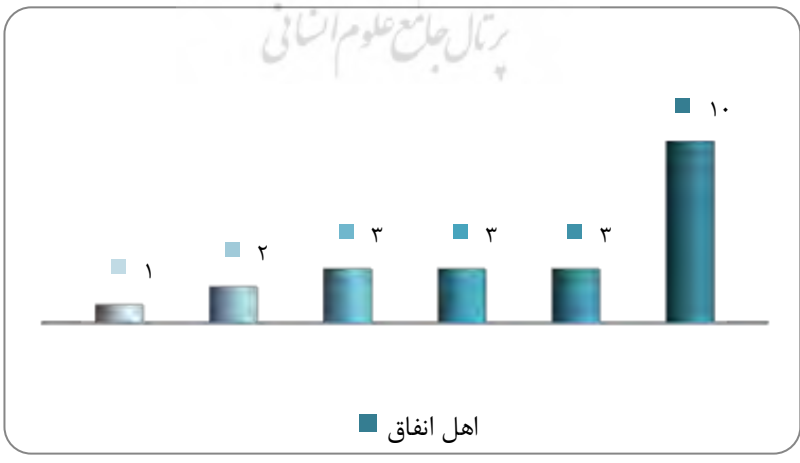
هنجار<sup>۵۶</sup> قاعده‌ای رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معینی چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایده این استاندارد رفتاری آن است که به بقای الگوهای روابط متقابل اجتماعی و شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند. هنجارها از این بابت که بر ارزشها و گرایشهای اجتماعی اثر می‌گذارند تجویز کننده و در عین حال نهی کننده رفتارها هستند. هر فرهنگ، پاره فرهنگ و یا هر گروه دارای هنجارهایی است که بر آن حاکم است و از این طریق رفتارهای متناسب را تعیین می‌کند.<sup>۵۷</sup> انسان‌ها در نتیجه فراگرد موفق اجتماعی شدن، هنجارهای یک فرهنگ را ملکه ذهنشان می‌سازند و به خودی خود از هنجارها پیروی می‌کنند چه دیگران ناظر بر رفتارشان باشند و چه نباشند.<sup>۵۸</sup>

دین اسلام نیز دارای هنجارهایی در رفتار و روابط است که احادیث «طوبی» به برخی از آنها اشاره کرده است:

### ۳. هنجارهای رفتاری مطلوب

برخی هنجارهای رفتاری مطلوب بر مبنای احادیث طوبی عبارت است از:

انفاق،<sup>۵۹</sup> کسب روزی حلال،<sup>۶۰</sup> پرداختن به عیوب خود به جای عیوب دیگران،<sup>۶۱</sup> عیادت از بیماران،<sup>۶۲</sup> تواضع و فروتنی،<sup>۶۳</sup> مهربانی با مستمندان.<sup>۶۴</sup>



از میان هنجارهای رفتاری مطلوب، انفاق در راه خدا در میان احادیث بیشتر تکرار شده است، آن هم به جهت آثار و برکات عظیمی که به دنبال دارد که هم از حیث فردی و هم از حیث اجتماعی قابل بررسی است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### آثار فردی

آثار فردی انفاق، تنها در پاداش‌ها و ثواب‌های اخروی خلاصه نمی‌شود، بلکه در همین دنیا نیز برکات چشمگیری شامل حال انسان می‌شود از جمله الف) برکت در افزایش اموال (بقره: ۲۶۱)؛ ب) دوری از بلا و مرگ بد، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «صدقه هفتاد بلا را از انسان دور می‌کند و نیز مرگ سوء را از انسان دور می‌نماید؛ چرا که صاحب صدقه هرگز با مرگ سوء از دنیا نمی‌رود»<sup>۶۵</sup> ج) طول عمر، همانطور که در تعالیم اسلامی آمده است، برخی عوامل بر مدت عمر انسان تأثیر می‌گذارد و کاهش یا افزایش طول عمر انسان را به همراه دارد «صدقه دادن» از عواملی است که طبق بیان صریح روایات، موجب افزایش طول عمر می‌شود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «صدقه و صلّه رحم شهرها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید»<sup>۶۶</sup> د) شفای مریض؛ از دیگر آثار مهم، صدقه و انفاق، شفای مریض است که نقش اساسی و مهمی دارد و اثر آن بارها به تجربه رسیده است. از معصومین نقل شده است «بیماران خود را به وسیله صدقه درمان کنید»<sup>۶۷</sup> ه) دورکننده فقر از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «نیکي و صدقه فقر را دور می‌کند»<sup>۶۸</sup>

### آثار معنوی انفاق

از نظر قرآن کریم انفاق در راه خدا، تجارتی پرسود و معامله‌ای ارزشمند است (فاطر: ۲۹) که موجب جلب پاداش‌های عظیم (حدید: ۱۰) و رسیدن به بهشت الهی می‌شود. علاوه بر این، آثار معنوی زیادی بر انفاق مترتب می‌شود که دقت در آنها، موجب ترغیب و تحریک

هرچه بیشتر انسان به سوی این عمل خدا پسندانه می‌گردد در این مبحث برخی از این آثار و برکات معنوی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

تزکیه و طهارت انسان، (توبه: ۱۰۳) مغفرت و تکفیر گناهان، (توبه: ۱۰۴) آرامش روحی و روانی، (بقره: ۲۷۴) وسیله تقرب به خدا، (توبه: ۹۹) مایه جلب رحمت الهی. (اعراف: ۱۵۶)

## آثار و برکات اجتماعی انفاق

آثار اجتماعی انفاق و فوایدی که از انفاق عائد کل جامعه می‌شود بسیار وسیع است و در یک نگاه کلی می‌توان تمامی آنها را در دو عنوان «عدالت اقتصادی» و «اصلاح اجتماع» خلاصه نمود:

### ۱. عدالت اقتصادی و برطرف شدن خلأهای اقتصادی در جامعه:

از اهداف عالیہ تعالیم اسلام در نظام اقتصادی، اصل عدم تمرکز ثروت و رفع اختلاف‌های فاحش و غیر عادلانه در نظام اقتصادی است که در قرآن هم مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که طبق آیه شریفه ﴿...كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر: ۷) توزیع ثروت‌های عمومی به منظور جلوگیری از تمرکز ثروت و در نتیجه ایجاد توازن اقتصادی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود.<sup>۶۹</sup>

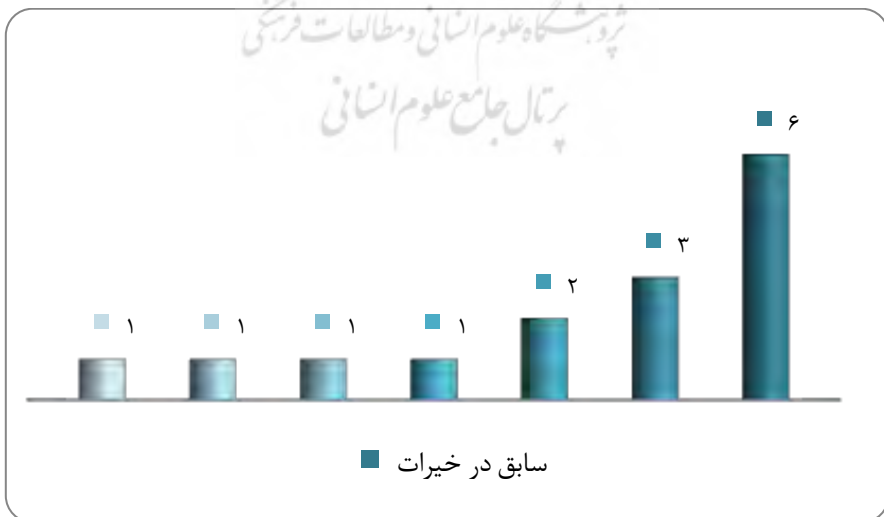
یکی از آثار انفاق این است که می‌تواند جریان پول را از طبقات ثروتمند به سوی طبقات کم درآمد سوق دهد و در جهت رفع «فقر» نقش فعال داشته باشد؛ این در حالی است که از سوی دیگر همواره بر کار و کوشش برای استقلال اقتصادی توصیه و تأکید و از اظهار احتیاج و فقر نهی شده است.<sup>۷۰</sup> استغناء و بی‌نیازی از مردم مورد تحسین اسلام است.<sup>۷۱</sup> لذا با این جامع‌نگری دستورات اسلام در زمینه اقتصادی، هم کمبودها و خلأها جبران گشته و هم از سستی و تنبلی و بار خویش را گردن دیگران افکندن، جلوگیری به عمل آمده است.

## ۲. اصلاح اجتماع:

از آن جایی که یکی از عوامل انحراف و سقوط اخلاقی در هر اجتماع «فقر» است و بسیاری از جرائم و بزهکاری ریشه در نیاز شدید مالی دارد، لذا تعالیم اسلام درصدد است قبل از وقوع جرم، واقعه را علاج نماید. تعالیم اسلام می‌خواهد انسانی بسازد که به هم نوع خود توجه داشته باشد و خود را در برابر برادران دینی در جامعه مسئول بداند و در رفع حوائج و نیازمندی‌های آنها تلاش نماید تا علل انحراف‌های اخلاقی در ریشه خشکانده شود. بنابراین در جامعه‌ای که روح کمک و تعاون بر آن حاکم باشد و طبق تعالیم اسلام، مردم فقرا را در اموال خود شریک دانسته و حقی برای آنها قائل باشند. (ذاریات: ۱۹)<sup>۷۲</sup>

## ۳. هنجارهای روابط مطلوب

برخی هنجارهای روابط مطلوب بر مبنای احادیث طویی عبارت است از: سبقت در خیرات و نیکی کردن به دیگران،<sup>۷۳</sup> دوست داشتن دیگران در جهت رضایت الهی،<sup>۷۴</sup> رعایت تساوی قضاوت برای دیگران با قضاوت در مورد خود،<sup>۷۵</sup> عدم کینه نسبت به دیگران،<sup>۷۶</sup> دوستی با عالمان،<sup>۷۷</sup> صلح رحم،<sup>۷۸</sup> کسب رضایت همسر.<sup>۷۹</sup>





سبقت گیرندگان در خیرات، کسانی هستند که در خیرات سبقت می‌گیرند و قهرا وقتی به اعمال خیر سبقت می‌گیرند، به مغفرت و رحمتی هم که در ازای آن اعمال هست سبقت گرفته‌اند. کسانی که برای رسیدن به قُرب خداوند لحظه شماری می‌کنند؛ کسانی که ایمان به روز واپسین دارند و معتقدند که بازگشت همه به سوی خداست و بلاخره کسانی که لحظه-های غفلت و کوتاهی برای جلب رضایت معبود را جایز نمی‌شمارند و آن را عقب ماندن از غافله مشتاقان معبود می‌دانند، همواره خواهان پیش‌گام بودن در این مسیر هستند. (مؤمنون: ۵۷-۶۱) به همین دلیل است که فرشتگان، (نازعات: ۴) پیامبران (انبیاء: ۹۰) و بندگان صالح خدا (آل عمران: ۱۱۴) در قرآن به این ویژگی ستوده شده‌اند که در کارهای نیک از پیشی‌گیرندگانند.

### نتایج و ثمرات سبقت در خیرات

شتاب داشتن در کارهای خوب و پیشی‌گرفتن از دیگران در انجام آن، دو نوع ثمره و نتیجه را در بر دارد:

#### الف) ثمره دنیوی

۱. پیشرفت جامعه: از جمله نتایج دنیایی و مادی این کار می‌توان به این موارد اشاره داشت: نخست آن که جامعه رو به پیشرفت می‌نهد؛ چراکه پیشرفت جامعه در گرو انجام گرفتن به موقع کارهای خوب است. اگر روحیه مسابقه در انجام کارهای نیک در جامعه نهادینه شود، کارها با شتاب بیشتری پیش می‌رود.

۲. ایجاد انگیزه در دیگران: نتیجه دیگر مسابقه، آن است که جامعه به انجام کارهای خیر تشویق می‌شود و هر کسی می‌کوشد تا نخستین کسی باشد که کار نیک انجام می‌دهد و در حقیقت جامعه با حالت عاطفی خاصی رو به رو می‌شود که هرکسی در جست و جوی یافتن کارهای خوب است.

۳. ظهور و بروز کارهای خیر در جامعه: فایده دیگر مسابقه این خواهد بود که کارهای خیر علنی و آشکارا انجام و در چشم دیگران مطرح شود؛ زیرا در مسابقه، دست کم دو نفر مشارکت خواهند داشت و این گونه است که به صورت آشکار کارهای خیر مطرح و در جامعه منتشر و رقابت برای پیش تازی میان مردمان پدید می آید.<sup>۸۰</sup>

### ب) نتایج معنوی و اخروی

در مورد نتایج معنوی و اخروی سبقت و شتاب در کارهای نیک نیز می توان گفت بسیاری از موارد تأخیر در انجام دادن کاری، موجب از دست رفتن فرصت ها شده و ممکن است انسان دیگر میل اولیه برای انجام آن را نداشته باشد. به همین سبب توصیه شده هرگاه انسان خواهان انجام کار خوبی است، شتاب نموده و برعکس هرگاه قصد انجام کار ناپسندی را داشت، کمی درنگ کند.<sup>۸۱</sup> بسیاری از موارد است که انجام کار خوب در زمانی مناسب، باعث عاقبت به خیری انسان می شود.<sup>۸۲</sup>

از دیگر سو، خداوند از کارهای نیک، عملی را دوست دارد که در انجام آن شتاب شود.<sup>۸۳</sup> البته باید یادآور شد که، تنها کسانی به این توفیق دست می یابند که به فرموده خداوند متعال این گونه باشند:

«و آنها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می دهند و با این حال، دل هایشان هراسناک است از اینکه سرانجام به سوی پروردگارشان بازمی گردند، (آری) چنین کسانی در خیرات سرعت می کنند و از دیگران پیشی می گیرند.» (مؤمنون: ۶۰-۶۱)

### نتیجه

اسلام دین زندگی و دین خاتم انبیاء است. از این رو قطعاً برای زندگی که منجر به سعادت شود دارای سبک و روش است. پژوهش حاضر با بررسی ساختار احادیثی که واژه «طوبی» در آن به کار رفته است در پی ارائه الگویی برای سبک زندگی در میان روایات

اهل بیت به عنوان منبع غنی دینی توانست، این نتیجه را محقق سازد که نظام معنایی احادیثی با مضمون طوبی امکان رسیدن به الگوی زندگی را محقق می‌سازد. از این رو با بررسی و دسته بندی این احادیث می‌توان گفت احادیث با محوریت ساختار طوبی در چهار دسته قابل جمع بندی هستند: ۱. روابط متقابل انسان و خداوند ۲. ویژگی‌های فردی ۳. هنجارهای رفتاری مطلوب ۴. هنجارهای روابط مطلوب.

طبق مضامین دسته اول روشن شد که سبک زندگی فردی‌ای مورد پسند ائمه علیهم السلام است که در رابطه با خداوند فردی اهل توبه، خشیت و پیوسته به یاد معاد و روزحساب و در پی انجام واجبات و ترک محرّمات باشد. طبق مضامین احادیث دسته دوم روشن شد که سبک زندگی، فردی مورد پسند ائمه علیهم السلام است که دارای ویژگی‌هایی از قبیل غالب بودن بر هوای نفس، قناعت، دارای اخلاق نیکو، اهل علم، با اخلاص؛ متقی، صابر، صادق، متواضع، آینده نگر، دارای قدر تشخیص حق از باطل، امانت دار و .. باشد. همچنین در بعد رفتاری اهل انفاق، معاشرت با مستمندان، در پی کسب روزی حلال و در روابط اجتماعی نیز فردی سابق در خیرات، اهل به جای آوردن صلّه رحم و ... است. برخوردار از ویژگی‌های مطرح شده در هر دسته به نوعی می‌توان زیر مجموعه ایمان و عمل صالح قرار گیرد و به فرموده قرآن کریم ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ (رعد: ۲۹) سوق دهنده انسان به سوی حیات طیب باشد.

1. Life Style
2. Alfred Adler

۳. ابازی، جاوشیان، از «طبقه» تا «سبک زندگی»، ص ۲۴.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۲۷؛ ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۶۳؛ مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۵۱.
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۸۹.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص: ۳۵۷.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۴۷؛ مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۰۹.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۱۰.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۴۲۵؛ همو، الخصال، ج ۱، ص ۴۳۰؛ ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ج ۲، ص ۳۰۵.
۱۰. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۸۵؛ کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۴۷.
۱۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۵۳۷؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۳۲، ص ۴۴۷؛ آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۴۱.
۱۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۳۹؛ همو، ج ۷، ص ۲۱۶.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، ص ۲۴۹؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۴۹.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۴، ص ۲۸۵.
۱۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، ص ۲۴۹.
۱۶. طبرسی، علی بن حسن، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۴۵۶؛ ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۳.
۱۷. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، ص ۲۱۳.

۱۸. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۵۷۵؛ همو، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۳.
۱۹. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۵۳۷؛ ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۱۶۱.
۲۰. ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳).
۲۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۵۶۱؛ همو، الخصال، ج ۲، ص ۳۴۷.
۲۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۱۴۰.
۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۴۴۱.
۲۴. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، ص ۱۲۱؛ حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ص ۱۴۹.
۲۵. هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد علیهم السلام، ص ۵۱۶.
۲۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ج ۱، ص ۵۰۵، ص ۵۳۵، ص ۶۰۲، ص ۶۰۳؛ ج ۲، ص ۳۹، ص ۴۰، ص ۴۴؛ ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۳۳۱، ص ۳۸۶.
۲۷. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ج ۲، ص ۳۷۵.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، ص ۱۶۳.
۲۹. همو، ص ۱۶۹.
۳۰. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، صص ۱۷۷-۱۸۸.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۱، ص ۵۸۴؛ آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷، ص ۳۷۵؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ۸۵؛ ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۴۴۸.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۳، ص ۲۱۰؛ ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر، ص ۴۲۲.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۳، ص ۲۶؛ پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، ص ۵۵۷.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۳، ص ۳۶۳.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۲، ص ۲۳۵.
۳۶. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۴۹۱.
۳۷. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیة، ج ۱، ص ۵۸۱.
۳۸. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۴۵.
۳۹. همو، ص ۲۴۰.

۴۰. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، ج ۱، ص ۵۵۱.
۴۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷، ص ۳۴۹.
۴۲. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، ص ۵۶۰.
۴۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۶۱.
۴۴. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، ص ۲۸.
۴۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار، ص ۶۴.
۴۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۵۳.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۱، ص ۲۴۸.
۴۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۷۱۵.
۴۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۹۳.
۵۰. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷، ص ۱۷۱.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۳، ص ۳۱۹.
۵۲. حر عاملی، محمد بن حسن، جهاد النفس وسائل، ص ۱۵۳.
۵۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۷.
۵۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۷؛ آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۴۷.
۵۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۶۹؛ مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۱۱۴.
56. Norm
۵۷. بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی، صص ۲۴۸-۲۴۹.
۵۸. همان.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۲، ص ۲۳۴؛ حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، ج ۴، ص ۵۸۳.
۶۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۶۵۳.

۶۱. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر، ص ۲۳۳.
۶۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۳۷۵.
۶۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ص ۶۵۳.
۶۴. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة، ج ۳، ص ۷۶.
۶۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۴.
۶۶. طبرسی، علی بن حسن، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۶۵.
۶۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ۱۶۱.
۶۸. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ص ۷۹.
۶۹. موسویان، عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، ص ۸۸ و ۸۹.
۷۰. حر عاملی، محمد بن حسن، جهاد النفس وسائل، ج ۴، ص ۳۱۱.
۷۱. همان، ۳۱۳.

72. [www.maarefquran.org](http://www.maarefquran.org)

۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۳، ص ۱۳۷؛ حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة، ج ۱، ص ۵۶۹؛ دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۹۴.
۷۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۷۱۷؛ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۴۹۰.
۷۵. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، ص ۱۹۸؛ پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، ص ۵۵۸.
۷۶. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۲۳۹.
۷۷. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۹۴.
۷۸. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ص ۴۶۸.
۷۹. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۰.

80. [www.pajoohe.com](http://www.pajoohe.com)

۸۱. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ج ۲، صص ۱۴۲-۱۴۳.
۸۲. همان.
۸۳. همان.

## منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۲. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
۳. اباذری، چاوشیان، یوسف، حسن، از «طبقه» تا «سبک زندگی»، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۳۸۱ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال، ترجمه: محمد علی مجاهدی، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۱ش.
۵. \_\_\_\_\_، الخصال، ترجمه: یعقوب جعفری، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲ش
۶. \_\_\_\_\_، معانی الأخبار، ترجمه: عبد العلی محمدی شاهرودی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۷. \_\_\_\_\_، علل الشرائع، ترجمه: محمد جواد ذهبی تهرانی، قم، انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۰ش.
۸. \_\_\_\_\_، الأملی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۷۶ش.
۹. \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷ش.
۱۰. \_\_\_\_\_، کمال الدین، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۱۱. \_\_\_\_\_، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲ش.
۱۲. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ترجمه: محمد جواد غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۴۱۸ق.
۱۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علیّ علیه السلام، ۱۳۸۲ش.



۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۵. اکستین، کرن، دنیل، روی، ارزبایی و درمان سبک زندگی: رویکرد روان شناسی فردی آدلر، مترجم: حمید عزیزاده، محسن یوسفی، فروزان کرمی، تهران، انتشارات رسش، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، موسسه کیهان، ۱۳۷۰ش.
۱۷. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.
۱۹. \_\_\_\_\_ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، چاپ ششم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، جهاد النفس وسائل الشيعة، ترجمه: علی افراسیابی، قم، نهاوندی، ۱۳۸۰ش.
۲۱. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل، ترجمه احمد روحانی، قم، دار الهدی، ۱۳۸۰ش.
۲۲. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاة، ترجمه: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲۳. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ترجمه: سید عبد الحسین رضایی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۵. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، مصحح: احمد صادقی اردستانی، قم، دار الکتاب، بی تا.
۲۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، مصحح: فیض الإسلام، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۳ش.

۲۹. طبرسی، علی بن حسن، مکارم الأخلاق، ترجمه: ابراهیم میر باقری، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵ش.  
۳۰. \_\_\_\_\_، مشکاة الأنوار، ترجمه: عبد الله محمدی، مهدی هوشمند، قم، دار  
التقلین، ۱۳۷۹ش.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی  
علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ش.

۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء  
التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۳۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،  
۱۳۶۰ش.

۳۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ش.

۳۵. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، ترجمه: استاد ولی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ش.

۳۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب  
الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.

۳۷. موسویان، عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم، دارالتقلین، ۱۳۸۰ش.

۳۸. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر، ترجمه: محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد  
پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.

۳۹. هلالی، سلیم بن قیس، أسرار آل محمد علیهم السلام، ترجمه: اسماعیل انصاری زنجانی  
خوئینی، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۶ق.